

### ادب از نگاه امام حسین(ع)



فتاح فرهنگی

حجت الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

یکی از شباهت‌هایی که یک پیرو واقعی اهل بیت<sup>(ع)</sup> و به‌خصوص پیرو واقعی امام حسین<sup>(ع)</sup> باید به آن بزرگان داشته باشد، شبیه شدن در صفت زیبایی ادب است. ادب از آن صفت‌هایی است که انسان را محبوب خدا و مردم کرده، رابطه او را با اطرافش اصلاح می‌کند. ادب یکی از صفت‌های خوبی است که از پایه‌های اخلاقی فرد است و متصف بودن به همین یک صفت، کافی است تا فرد در دو دنیا بتواند به سعادت و نجات برسد.

از امام حسین<sup>(ع)</sup> معنای ادب را پرسیدند. حضرت در پاسخ فرمودند: «ادب، عبارت است از اینکه وقتی از خانه خارج می‌شوی، به هر که برخورد می‌کنی، او را برتر از خود ببینی.» یعنی همیشه دیگران را از خود بهتر ببینی و احترام آن‌ها را نگه داری. این جمله حضرت درواقع بیانگر ریشه ادب در نگاه فرد مؤدب است و تنها اگر کسی برای دیگران حسن و فضلی قائل باشد، می‌تواند به دیگران احترام بگذارد و امام حسین<sup>(ع)</sup> می‌فرمایند باید دربرابر همه افراد این گونه باشی.

قدیمی‌ها در اخلاق و ادب خود همیشه دنبال ویژگی‌ای بودند که بتوانند دیگران را از خودشان بهتر ببینند، بنابراین اگر با انسان موسپیدی برخورد می‌کردند، می‌گفتند او سشن از ما بیشتر است و حتماً بیشتر از ما عبادت کرده است، برای همین بهتر از ماست و از طرف دیگر اگر به فرد جوان‌تری برخورد می‌کردند، می‌گفتند او سشن از من کمتر است، حتماً گناهان کمتری را نسبت‌به من مرتکب شده است و به همین دلیل از من بهتر است.

نکات دیگری هم وجود دارد که باتوجه‌به آن‌ها، می‌توانیم دیگران را از خودمان بهتر ببینیم و درنتیجه ادب را دربرابر آنان رعایت کنیم، مثل اینکه ما از باطن افراد خبر نداریم و فقط ظاهر آن‌ها را می‌بینیم و با دیدن ظاهر، نباید درباره کسی قضاوت‌کردکه در حدیث قدسی آمده است: «اولیائی تحت لوائی لایعرفونهم غیری، یعنی بنده‌های خاص من دربین مردم، مخفی هستند و هیچ‌کس غیر از من خدا، آن‌ها را نمی‌شناسد.» و این یعنی همین فردی که تو در کوچه و خیابان می‌بینی و شاید ظاهر مناسبی هم نداشته باشد، شاید از دوستان و خاصان درگاه الهی باشد، بنابراین نباید به او بی‌احترامی کنی و خودت را از او بهتر بدانی. غیر از این، آنچه بهترین سعادت برای بشر است، عاقبت‌به‌خیری است، پس با خودت بگو شاید او عاقبت‌به‌خیر بشود و من نشوم.

اگر انسان چنین دیدی داشته باشد، می‌تواند به اهل بیت<sup>(ع)</sup> شباهت پیدا کند و یک فرد مؤدب شناخته شود و اهل فحاشی و رکیک‌گویی نباشد که پیامبر خدا<sup>(ص)</sup> فرمودند: «إِنَّ ا... حَرَّمَ الْجَنَّةَ عَلَى كُلِّ فُحَّاشٍ بَذَى وَ قَلِيلِ الْحَيَاءِ- لَا يُبَالَى مَا قَالُ وَ لَا مَا قِيلَ لَهُ: بخداوند، بهشت را بر هر فحاش بدزبان بی‌شرمی که باکی ندارد چه بگوید و چه بشنود، حرام کرده است.»(کافی، ج ۲، ص ۳۲۲، ج ۳).

از خداوند بزرگ می‌خواهیم به ما توفیق ادب و خوش‌زبانی را عطا کند و لطف خود و سعادت دو دنیا را همراه با این صفت زیبا روزی‌مان کند. ان‌شاءا...!

### روایت



### وعده‌ای فراموش‌نشدنی

تردید داشت...

این حدیث پیامبر<sup>(ص)</sup> در ذهنش مرور می‌شد درحالی‌که حسین<sup>(ع)</sup> روی پاهای ایشان نشسته بود؛ «این فرزندم در سرزمین عراق به شهادت خواهد رسید، آگاه باشید هرکه او را دید، باید یاری‌اش کند».

خودش راوی این حدیث و برخی دیگر از احادیث پیامبر<sup>(ص)</sup> بود. کسی بود که در جنگ حنین و بدر، کنار پیامبر جنگیده بود و بعد از پیامبر<sup>(ص)</sup> در زمان ممنوعیت نقل احادیث، بازهم دست از نشر آن‌ها برنمی‌داشت. از پیامبر<sup>(ص)</sup> درباره کربلا شنیده بود و حالا انگار زمان همان جنگ بود.

حالا که پیرمردی شده بود.

اسبش را زین کرد که برود تا تردید «چه کنم، در دلش نماند.

اسبش را زین کرد تا کوفه را ترک کند قبل از جنگ.

نمی‌خواست خودش را وارد این جنگ کند تا...!اینکه در قصر بنی‌مقاتل، حسین<sup>(ع)</sup> را دید که با ععبدا...!بن‌حر جعفی صحبت می‌کند. ایستاد و به حرف‌های حسین<sup>(ع)</sup> گوش داد. چراغ دلش روشن شد. حدیث پیامبر<sup>(ص)</sup> را کنار حرف‌های حسین<sup>(ع)</sup> گذاشت. تاب نیاورد و خودش را به امام رساند. سوگند خورد که مثل ععبدا...!

بن‌حر نمی‌خواست‌ه وارد جنگ به نفع هیچ‌یک شود اما...

«خداوند یاری کردن تو را در قلب من افکند و به من جرئت بخشید تا در این راه با تو همگام باشم».

حالا حسین<sup>(ع)</sup> با او چه کرد؟

به او وعده داد.

وعده سکه، او را نگه داشت یا حکومت یا مقام؟

نه...

هیچ کدام از یاران حسین<sup>(ع)</sup> این‌گونه نبودند.

وعده هدایت داد.

کشتی نجات عالم، وعده امنیت داد.

او به وعده هدایت و امنیت حسین<sup>(ع)</sup>، دلش محکم‌تر شد.

روز عاشورا شد.

شالی به کمرش بسته بود تا کمرش را صاف کند و پارچه‌ای به پیشانی‌اش بست تا ابروهای سفیدی را که به‌خاطر پیروی روی چشم‌هایش بود، بالا نگه دارد.

حسین<sup>(ع)</sup> برای این حالتش، اشک ریخت و گفت:

«خدا از تو قبول کند پیرمرد!»

انث می‌دانست با چه مردمی می‌جنگد. قبل از عاشورا و میدان، مأمور رساندن پیام به عمربن‌سعد بود. عمرسعد را که دید، سلام نکرد و او عصبانی شد که آیا من کافر و منکرم که سلام نمی‌دهی؟ انث در جوابش گفت:

«چگونه منکر خدا و پیامبر<sup>(ص)</sup> نیستی و حال آنکه برای ریختن خون فرزند پیامبر<sup>(ص)</sup>، دامن همت به کمر بسته‌ای؟»

حالا می‌خواست برود به میدان جنگ با کسانی که از مسلمانی فقط اسمش را داشتند بدون رسم و عمل.

انث به میدان رفت...

#### اهمیت آشنایی با امام عصر(عج) در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین سالاری

# فراهم کردن زمینه‌های ظهور، رسالت ماست

زهرا زنکنه<sup>(۱)</sup> ما باید مردم را با حضرت مهدی<sup>(عج)</sup> بیشتر آشنا کنیم. بدون شک هدف ایشان هم رشد و کمال بیشتر انسان است.» این کلیدی‌ترین جمله‌ای است که مظفر سالاری درباره رابطه دوطرفه جامعه با حضرت موعود می‌گوید. نویسنده پرتیراژترین رمان ایرانی که روحانی هم هست، نگاه مفصلی به مقوله ظهور دارد. او در این زمینه، نقش ویژه‌ای برای روحانیان و البته مردم درنظر گرفته است که در ادامه، این نظریه را مرور می‌کنیم.

#### پرفروش‌ترین رمان ایرانی

حجت‌الاسلام‌والمسلمین «مظفر سالاری»، نویسنده‌ای از خطه یزد است که سه‌رمان پرفروش «رؤیای نیمه‌شب»، «دعبل و زلفا»، و «مرا با خودت ببر، و آثار بسیار دیگری در حوزه‌های مختلف به رشته تحریر درآورده است. رمان «رؤیای نیمه‌شب، بیش از سایر کتاب‌هایش، با استقبال خوانندگان روبه‌رو شده و تا به حال بیش از ۱۱۴ بار تجدید چاپ شده است. این رمان فارسی حدود ۲۰ سال پیش نوشته شده است و داستان عشقی را بین دو جوان شیعه و سنی روایت می‌کند که به دلیل اختلاف‌های مذهبی‌با چالش‌هایی روبه‌رو می‌شوند، داستان عاشقانه‌ای که در خلال ماجرای تشریف «ابوراجح حامی»، به محضر امام عصر<sup>(عج)</sup> رخ می‌دهد.

#### خدمتی به‌عنوان یک سرباز فرهنگی

نویسنده «رؤیای نیمه‌شب»، انگیزه خود از نگارش این رمان

نداشتم. قبل از این ماجرا اعتقادی هم به امام‌زمان<sup>(عج)</sup> و آخرت نداشتم. این کتاب سبب شد من به حضرت، ایمان و باور پیدا کنم. الان حس می‌کنم ایشان حامی من و درکنار من هستند و دلم به وجود ایشان گرم است.»

این نویسنده خوش‌ذوق، شنیدن این طور بازخوردها را دلگرم‌کننده توصیف می‌کند و می‌گوید: «تأثیر کار برای ائمه<sup>(ع)</sup> فوق‌العاده است. اگر کسی به آن‌ها خدمتی بکند، علاوه‌بر مزد، توفیق خدمت بیشتری به او می‌دهند، البته اگر او صلاحیت این خدمتگزاری را برای خودش حفظ کند. تأثیر این دلگرمی‌ها برای من هم این بود که تجربه‌ها و توان خودم را بیشتر در خدمت قرآن و ائمه قرار دهم. خودم هم دوست داشتم کاری در حوزه قرآن انجام دهم، بنابراین طرح دانشنامه قرآنی نوجوان را به اداره تبلیغات اسلامی دادم که پذیرفته شد. از امام‌زمان<sup>(عج)</sup> توفیق انجام این کار را خواستم و تاکنون نگارش هشت جلد از چهارده جلد آن

#### وظیفه دولت و حاکمیت در دوران غیبت

حجت‌الاسلام‌والمسلمین سالاری مهم‌ترین وظیفه دولت و حاکمیت برای فراهم کردن زمینه ظهور را حمایت و تسهیلگری می‌داندو بیان می‌کند: «شرایط بایدطوری فراهم شود که هرک‌ه می‌خواهد کاری برای امام‌زمان<sup>(عج)</sup> انجام دهد، به‌احتی بتواند این کار را بکند، مثلاً اگر فردی قصد تأسیس مؤسسه عام‌المنفعه‌ای به یاد حضرت و برای مردم را دارد یا بخواهد فعالیتی فرهنگی انجام دهد، مسیر برایش هموار باشد. به‌نظر من، بهترین کاری که دولت می‌تواند انجام دهد، این است که موانع را از سر راه این کارهای فرهنگی بردارد، ولی به‌نظر می‌رسد وضعیت درحال حاضر برعکس است و به‌جای فراهم کردن زمینه‌ها، بیشتر مانع‌تراشی می‌شود.

وی می‌افزاید: «به‌طور کلی باید نیازهای واقعی در این زمینه شناسایی و به افرادی که تمایل به فعالیت در این حوزه را دارند، معرفی شود و از گروه‌ها و جریان‌های سالم و سازنده حمایت شود.»

#### نقش روحانیان آگاه به زمانه در عصر غیبت

این نویسنده که خودش یک روحانی است، مهم‌ترین وظیفه روحانیان در زمان غیبت را تبلیغ دین یعنی انتقال آموزه‌های وحیانی و دینی به مردم می‌داند تا آن‌ها بتوانند دین و ایمان خود را به بهترین شکل حفظ کنند و متدین بمانند. از طریق این آموزش‌ها با اعتقادات، اخلاق و احکام آشنا شوند و آن‌طور که رضای خداست، دینداری کنند.

او در این‌باره توضیح می‌دهد: «این وظیفه کلی روحانیان است، چون امام‌زمان<sup>(عج)</sup> نیز به این نکته اشاره کرده‌اند که در زمان غیبت، مردم باید به روحانیان متدین و آگاه به زمانه خود، مراجعه کنند. روحانیان هم باید از مقتضیات زمان خود آگاه باشند و مسائل نوپدید را بشناسند. در هر عصری، رسانه‌های ویژه‌ای وجود دارد که بیشترین کارایی را دارند و یک روحانی باید از آن‌ها استفاده کند، مثلاً در زمان مافضای مجازی برای انجام فعالیت‌های فرهنگی بسیار تأثیرگذار است. یک نمونه دیگر، استفاده از داستان‌نویسی به‌عنوان یک رسانه برای آموزش آموزه‌های دینی و منتقل کردن معارف به مردم است که برای همه همراه شدن مردم با امام‌عصر<sup>(عج)</sup> هم می‌توان از آن به‌خوبی بهره برد. در این زمینه فعالیت‌هایی هم در حوزه علمیه شروع شده است که امیدوارم مسئولان حوزه، بیشتر به آن‌ها توجه کنند.»

را به پایان رسانده‌ام. این کتاب شامل ۱۴۰۰موضوع قرآنی است که قرار است در آینده به زبان‌های انگلیسی و عربی نیز ترجمه شود.»

#### آشنایی مردم با امام عصر

این نویسنده یزدی از رمان به یک رسانه جهانی یاد می‌کندو درباره تأثیر این سبک از داستان‌ها و کتاب‌ها بر آشنا کردن مردم با امام‌زمان<sup>(عج)</sup> می‌گوید: «بیشترین میزان مطالعه در جهان به رمان‌ها اختصاص دارد، چون مردم، داستان را دوست دارند و علاقه آن‌ها به داستان در نهادشان و عنصری فطری و غریزی است. انسان ذاتاً موجود کنجکاوی است و حس زیبایی‌شناسی دارد. خداوند هم یک‌سوم قرآن کریم را به بازگویی سرگذشت‌ها و داستان‌ها اختصاص داده است تا موعظه و عبرتی برای مردم باشد. نوشتن داستان سبب می‌شود مخاطب به این وسیله با موضوعی آشنا شود، چون نوشتن نیز ابزاری برای هدایت است.»

او چنین ادامه می‌دهد: «ازطرفی وقتی یک موضوع تاریخی به داستان تبدیل می‌شود، همه به خواندن آن رغبت پیدا می‌کنند. درباره امام‌زمان<sup>(عج)</sup> و سایر حضرات معصوم نیز همین‌طور است. اگر سخنان و سبک زندگی و منش آن‌ها تبدیل به داستانی جذاب شود و با چاشنی‌هایی مانند عشق و طنز همراه باشد، با استقبال خوانندگان روبه‌رو می‌شود. «رؤیای نیمه‌شب، به‌خوبی این موضوع را نشان می‌دهد که مردم ما به‌خصوص جوانان به کتاب خوب علاقه‌مند هستند و از آن استقبال می‌کنند.»

#### وظایف فردی واجتماعی در دوران غیبت

از حجت‌الاسلام‌والمسلمین سالاری درباره وظایف مردم برای فراهم کردن زمینه‌های ظهور در زمان غیبت می‌پرسیم. او در جواب می‌گوید: «اول از همه باید باور کنیم که حضرت هستند اما ایشان را نمی‌بینیم، حتی ممکن است حضرت در کنار ما باشند اما متوجه حضورشان نباشیم. غیبت هم به همین معناست. دلیل دعوت مردم به زیارت ائمه<sup>(ع)</sup> هم همین است تا یادمان باشد آن‌ها پیشوا و راهنما می‌هستند. همه کارهای ما باید حول محور آن‌ها باشد تا در صحنه فردی واجتماعی رشد پیدا کنیم و بهترین امت در بین مردم دنیا باشیم.»

او درباره وظایف فردی شیعیان در عصر غیبت نیز می‌گوید:

را این‌طور بیان می‌کند: «گاهی نویسنده‌ای خودش تصمیم به نوشتن کتابی می‌گیرد و گاهی برای نوشتن کتابی دعوت می‌شود. درواقع من نیز برای نوشتن این کتاب دعوت شدم. ماجرا از این قرار است که نویسنده کتابی که درباره تشرفات معتبر به محضر حضرت بود، دنبال شخصی می‌گشت تا این تشرفات را به‌صورت داستان درآورد. یکی از نویسندگانی که به او پیشنهاد داده بودند، من بودم و این شروع کار بود.»

او چنین ادامه می‌دهد: «به هنگام نگارش داستان به امام‌زمان<sup>(عج)</sup> متوسل شدم و از خود حضرت کمک گرفتم. در دلم گفتم من طلبه و سرباز فرهنگی شما هستم. دوست دارم داستانی بنویسم که وقتی نوجوانان و جوانان آن را می‌خوانند، بیشتر با شما آشنا شوند. دوست دارم به‌زیبایی نوشته شود و مخاطبان از آن استقبال کنند.»

کتاب «رؤیای نیمه‌شب»، کورددار چاپ بین‌رمان‌های فارسی در کشور است. این کتاب بارها چاپ شده است. در این کتاب، داستان عشقی روایت می‌شود که با داستان تشریف یکی از شیعیان به محضر امام‌زمان<sup>(عج)</sup> گره می‌خورد. سالاری درباره موضوع کتاب چنین توضیح می‌دهد: «گاهی بعضی تشریف‌ها به محضر حضرت حجت<sup>(عج)</sup> که معروف هم می‌شود، برای برآوردن حاجت نیست، بلکه برای این است که موجب ایجاد یک حرکت در جامعه‌شود، همه‌را متوجه‌وجود حضرت کند و به همه شیعیان امید بدهد. تشریف ابورا جح حامی نیز از همین جنس است. من هم به این تشریف، بعد اجتماعی دادم. داستان یک‌عشق ممنوع هم چاشنی ماجرا شده است که جز با عنایت حضرت، ممکن نمی‌شود.»

#### توفیق خدمت بیشتر

سالاری درمورد تأثیر نگارش این کتاب بر زندگی‌اش می‌گوید: «ما طلبه‌ها خود را خادم و سرباز امام‌زمان<sup>(عج)</sup> می‌دانیم و سعی می‌کنیم ارتباط ویژه‌ای با حضرت داشته باشیم. وقتی من موفق به نگارش این کتاب شدم، احساس کردم حضرت بر من منت نهاده‌اند که این توفیق شامل حالم شده است. در ماهی بعضی افراد که از نظر اعتقادی خیلی قوی نبوده‌اند، بعد از خواندن کتاب تحت‌تأثیر قرار گرفته‌اند. یکی از آن‌ها که خانم جوانی بوده است، بعد از خواندن کتاب با او تماس می‌گیرد و می‌گوید: «من نسبتی با دین و دیانت

شهریار

هشتمین  
۱۳ مرداد ۱۳۹۲  
۲۳ مهر ۱۳۹۵  
شماره ۴۰۰۸

۱۴



فرهنگ